



اردوغان با بحران‌سازی درصدد بهره‌برداری انتخاباتی است

بحران رابطه اروپا با ترکیه هر روز ابعاد گسترده‌تری پیدا می‌کند. در یک‌سوی میدان اردوغان و دولت این کشور قرار دارد و در سوی دیگر، کشورهای اروپایی که تاکنون پشت یکدیگر را خالی نکرده‌اند. اظهارات خصمانه نسبت به یکدیگر هم روزه‌روز بیشتر می‌شود و روابط سیاسی متقابل تحت تاثیر این گفتارها، مه‌آلودتر از گذشته می‌شود.

به گزارش آران نیوز: صادق ملکی، تحلیلگر ارشد مسائل غرب آسیا گفت وگویی با اعتماد داشته است که در ادامه متن کامل آن را می‌خوانید:

طی روزهای اخیر تنش میان ترکیه و اتحادیه اروپا بالا گرفته و به نظر می‌آید این تنش روزه‌روز در حال افزایش یافتن است. آیا این تنش در حال حاضر قابل کنترل است؟ تبعات عدم مدیریت آن برای طرفین چه می‌تواند باشد؟ تنش که در روابط ترکیه و اتحادیه اروپا و به‌طور مشخص آنکارا با برلین و لاهه به وجود آمده، تنش گذرا و موقتی است. اگر بخواهیم تحلیلی از این تنش داشته باشیم، تنش موجود میان ترکیه و اتحادیه اروپا، تکرار سناریو داووس است که نمایش دروغینی برای بهره‌برداری‌های سیاسی و اقتصادی از آن بحران بود. در بحران کنونی نیز میان ترکیه با کشورهای اروپایی، آنکارا درصدد بهره‌برداری سیاسی از آن با توجه به همه‌پرسی پیش‌رو برای تغییر قانون اساسی ترکیه است. به‌طور کلی، اردوغان همواره از عنصر امنیت برای تنظیم معادلات سیاست داخلی و خارجی استفاده می‌کند و با بحران‌سازی‌هایی مانند بحران کردی و تنش با اتحادیه اروپا، درصدد تاثیرگذاری بر بستر اجتماعی ترکیه و جذب آرای ملی‌گرایان برای پیشبرد اهداف سیاسی‌اش است. هم‌اینک مهم‌ترین هدف اردوغان تغییر در قانون اساسی و مهم‌ترین ماده آن یعنی تغییر نظام پارلمانی به ریاستی است. آخرین نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که وضعیت آرا در حالت پنجاه پنجاه قرار دارد و با توجه به این شرایط و نگاه منفی اتحادیه اروپا به آن، اردوغان می‌خواهد با بحران‌سازی‌های تصنعی آرای ملی‌گرایان را برای رای مثبت به تغییر قانون اساسی جلب کند. اصولا ملی‌گرایان ترک نگاه مثبتی به اتحادیه اروپا ندارند و غرب را عامل اصلی فروپاشی امپراتوری عثمانی قلمداد می‌کنند. اردوغان با توجه به این نکته و با انجام مانورهای سیاسی بر میراث عثمانی سعی می‌کند تا از میزان مخالفان بکاهد و بر آرای موافق بیفزاید. البته با وجود این بستر منفی نسبت به غرب در ترکیه، دولت‌ها الزاما نگاه منفی به غرب نداشته‌اند و حتی دولت حزب عدالت و توسعه روابطی راهبردی و رو به جلو با غرب داشته و دارد.

با توجه به عضویت مشترک ترکیه و کشورهای اروپایی در ناتو، این اتفاق تا چه اندازه می‌تواند بر همکاری‌ها در ناتو تاثیرگذار باشد؟

برای اتحادیه اروپا و به‌طور کلی غرب، ترکیه معادل اردوغان نبوده و نیست. نگاه آنها به اردوغان به عنوان فردی است که مدتی در قدرت حضور داشته و دارد و پس از مدتی از قدرت کنار می‌رود یا اگر هم نخواهد برود، کنارش می‌گذارند. نگاه ناتو و غرب به ترکیه بیش از آنکه به فرد متمرکز باشد، متوجه ساختارهای سیاسی ترکیه است که این ساختارها، پیوندهای ناگسستنی با غرب دارد. زمانی در روابط میان ترکیه و ناتو یک بحران واقعی رخ می‌دهد که ترکیه ادعا کند بنا به مسایلیش با غرب درصدد خروج از ناتو است. ترک‌ها هیچگاه این تهدید را نکرده‌اند و نخواهند کرد ولی اگر زمانی این مساله از سوی آنکارا مطرح شد، می‌توان این تلقی را داشت که آنکارا دچار تغییر و گردش راهبردی شده است. اختلاف کنونی میان ترکیه و اتحادیه اروپا نیز قابل حل شدن و مسبوق به سابقه است. در سال ۱۹۷۴ هم که ارتش ترکیه به قبرس حمله کرد، آنکارا به‌شدت از سوی غرب مورد انتقاد واقع شد و حتی امریکا ترکیه را مدتی تحریم تسلیحاتی کرد. از این تنش‌ها میان ترکیه و غرب بوده و ما هم نباید شاهد تغییر چندانی در همکاری‌ها در ناتو به دلیل این مساله باشیم. از سویی، موضع و نگاه هر کشور در ناتو با یکدیگر ممکن است متفاوت باشد و این تفاوت نگاه موجب اختلافاتی هم باشد. به‌طور مثال نوع نگاه مرکل به ترامپ بسیار متفاوت‌تر از نگاه لندن به دولت جدید امریکاست و طرفین اختلافات جدی هم با یکدیگر دارند. تنش‌های کنونی ترکیه و اتحادیه اروپا، تاکتیکی است و غربی‌ها نیز به سروصدهای اردوغان توجه جدی چندانی ندارند. آنها می‌دانند این تحولات و تنش‌ها پس از همه‌پرسی ۲۷ فروردین فروکش می‌کند و آنکارا به ریل سابق روابط با اتحادیه اروپا بازمی‌گردد.

تنش ایجاد شده در روابط ترکیه و کشورهای اروپایی چه تاثیری را می‌تواند بر وضعیت عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا بگذارد؟ مساله عضویت یا عدم عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا، مساله‌ای نیست که تحت تاثیر تنش‌های مقطعی قرار بگیرد. پیوندهای ترکیه با غرب صرفا پیوستن به اتحادیه اروپا نیست بلکه ترک‌ها شریک اول تجاری اروپا هستند. آنها عضوی از ناتو هستند که این مساله پیوندها و همکاری‌های نظامی و امنیتی میان طرفین ایجاد می‌کند. ساختارهای سیاسی و نظام اقتصادی ترکیه وابسته به غرب است و مهم‌ترین سرمایه‌گذاران حاضر در بورس استانبول که مهم‌ترین بورس خاورمیانه است، سرمایه‌گذاران اروپایی و امریکایی هستند. سرمایه‌گذاری‌ها و حضور غربی‌ها در ترکیه موجب شده تا پیوندهای ترکیه با غرب فراتر از عضویت آنها در اتحادیه اروپا باشد. بخشی از جامعه رسانه‌ای، احزاب، روشنفکران و اساتید دانشگاه در ترکیه بر این عقیده هستند که اگر اتحادیه اروپا نیز به درخواست آنکارا برای عضویت پاسخ مثبت ندهد، ترکیه می‌تواند با رعایت استانداردهای اتحادیه اروپا یک چهره اروپایی و توسعه‌یافته از خود نشان بدهد و خود را یک ژاپن و کره جنوبی جدید نشان بدهد. بنابراین اگر احزاب در ترکیه سرلوحه برنامه‌های‌شان را براساس عضویت در اتحادیه اروپا و رعایت استانداردهای اروپایی گذاشته‌اند، به خاطر آن است تا

تغییرات بنیادی در ساختارهای ترکیه ایجاد کنند. با اجرای دستورات اتحادیه اروپا بوده است که قدرت و حضور نظامیان در ترکیه کاهش یافته مگر نه آنها همیشه در راس قدرت بوده‌اند ولی اکنون در حاشیه قرار دارند.

همواره مشاهده کرده‌ایم هنگامی که آنکارا روابطش با اروپایی‌ها با تنش روبه‌رو می‌شود از اهرم‌هایش برای فشار وارد کردن به اروپا مانند مساله مهاجران سوری استفاده کرده است. آیا در این ماجرا نیز شاهد تغییر سیاست‌های مهاجرتی ترکیه در قبال مهاجران و افزایش موج پناهنجویان به اروپا باشیم؟

با توجه به تحولات میدانی در سوریه و عراق، چون وضعیت و شرایط به سمت سرکوب و تضعیف داعش در حال حرکت است، احتمالا ما با موج جدیدی از مهاجران سوری روبه‌رو نیستیم تا ترک‌ها بخواهند از این موضوع به عنوان یک اهرم فشار علیه ترکیه استفاده بکنند اما تردیدی هم وجود ندارد که آنکارا از این مساله یا موقعیت ژئوپولتیکی ترکیه در مسائلی همچون انتقال انرژی به اروپا استفاده کرده است. یکی از مسائلی هم که موجب توجه غرب به ترکیه و افزایش جایگاه آنکارا شده، همین موقعیت ژئوپولتیکی آنهاست. اگر ترکیه جایگاهی در اروپا و غرب یافته، حاصل این مزیت‌های راهبردی است و سیاستمداران ترک نیز همواره از این مساله به بهترین نحو ممکن استفاده کرده‌اند و اکنون هم استفاده می‌کنند ولی چون شرایط تغییر یافته، نوع ادبیات‌شان هم تغییر کرده است.

اشاره کردید که وضعیت آرا برای همه‌پرسی آتی، در حالت پنجاه پنجاه قرار دارد و اردوغان با این بحران‌ها به دنبال جذب آرا است. تا چه اندازه او در دستیابی به این خواست می‌تواند موفق باشد؟

بازی اردوغان با ترک‌های مقیم در اروپا و همچنین بستر اجتماعی ترکیه، یک بازی دو سر برد است. اگر او کشورهای اروپایی را قانع به حضور وزرا و اعضای حزب عدالت و توسعه در میتینگ‌های انتخاباتی بکند، حتما این مساله در جذب آرا به سود اردوغان موثر واقع خواهد شد. اگر او در این مورد هم موفق به جلب نظر اروپایی‌ها نشود، می‌تواند از آن مساله استفاده کرده و مظلوم‌نمایی بکند و بر بستر اجتماعی ترکیه اثر بگذارد و حتی می‌تواند عاملی بر تغییر آرای منفی به مثبت در همه‌پرسی آتی باشد. حتی یکی از رهبران حزب جمهوریخواه خلق ترکیه که بزرگ‌ترین حزب مخالف اردوغان است، قصد داشت تا به اروپا برود و یک میتینگ علیه همه‌پرسی پیش‌رو برگزار کند اما هنگامی که میتینگ‌های حزب عدالت و توسعه برگزار نشد، این فرد به‌خاطر فضای سنگینی که در بستر اجتماعی ترکیه ایجاد شده، گفت که در این میتینگ شرکت نمی‌کند. بازی اردوغان در این بحران، کاملا هوشمندانه است و می‌تواند منجر به دستیابی به نتیجه دلخواه او شود.

اردوغان به‌شدت از روی کار آمدن ترامپ استقبال کرده است. فکر می‌کنید در دوره جدید، روابط میان آنکارا و واشنگتن به چه سمتی حرکت کند؟

هر کسی که رییس‌جمهور امریکا شود، ترک‌ها از روی کار آمدن آن فرد استقبال می‌کنند. هنگامی هم که اوباما رییس‌جمهور امریکا شد، نگاه اردوغان به او مثبت بود و حتی یک مسابقه میان ترکیه و مصر به وجود آمد تا نخستین سفر خاورمیانه‌ای اوباما، در کشورهای آنها باشد و وقتی اوباما به ترکیه آمد، رسانه‌های ترک مانورهای بسیاری از خود نشان دادند. استقبال اردوغان از ترامپ نیز در این چارچوب قابل تحلیل است. روابط میان آنکارا و واشنگتن براساس ساختارهای سیستمی و در چارچوب‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی است و فراتر از رییس‌جمهور هم محسوب می‌شود. به‌طور مثال، نگاه امریکا به کردها مثبت است. با فشار اوباما ترک‌ها قبول کردند اقلیم کردستان را نه به عنوان یک عشیره بلکه به عنوان یک دولت فدرال و بارزانی را نه به عنوان رهبر یک عشیره بلکه به عنوان رییس یک دولت فدرال بپذیرند و با چراغ سبزی که امریکایی‌ها نشان دادند در شمال عراق، بخشی از بازی‌های سیاسی را متاثر از خود بکنند. هم‌اینک اختلافات میان ترکیه و امریکا درخصوص کردها ادامه دارد و احتمالا با تعدیل سیاست‌های آنکارا و گرفتن امتیازهایی از واشنگتن، ترکیه شاید پذیرای دولت فدرال کرد در سوریه هم باشد.

آیا با افزایش تنش‌ها میان ترکیه و اروپا ما باید مجددا شاهد رویگردانی ترکیه از غرب و توجه بیشتر به ایران و روسیه باشیم؟

ترکیه در صفت‌بندی نهایی در کنار غرب قرار می‌گیرد و از نظر ساختاری، با روسیه و به ویژه ایران دچار اختلافات راهبردی است. آنکارا در بهترین حالت به تهران به عنوان یک رقیب فکر می‌کند. با توجه به رهبران سیاسی حاکم در ترکیه، ما نباید از این تنش‌های مقطعی انتظار داشته باشیم که آنکارا درصدد برقراری رابطه دوستانه با تهران و مسکو باشد. تا زمانی که نگاه رقابتی به ایران از سوی ترکیه تغییر نکند، با این تنش‌ها و رفت‌وآمدها ما نباید منتظر تحولی جدی باشیم. ترکیه بیش از هر چیز نسبت به تهران، ملاحظات اقتصادی دارد. آنها در دهه ۶۰، از جنگ ایران و عراق بهره‌برداری اقتصادی کردند و تحریم‌های ایران موجب بروز پدیده‌هایی همچون رضا ضراب شد و کمک کرد تا ترکیه با مدیریتی که در رابطه ایران داشت، از آسیب‌های بحران اقتصادی اتحادیه اروپا مصون بماند. آنها در موضوعات سیاسی و امنیتی نگاه منفی و رقابتی به ایران دارند. تلاش آنها در سوریه و عراق ایجاد چیدمانی است که موجب حذف ایران یا کاهش نفوذ و منافع ایران در سوریه و عراق شود. هنوز ذهنیت ترکیه چالدرانی و مذهبی است و این نگاه مذهبی موجب حمایت از داعش در سوریه و عراق شده است. البته روابط خارجی همیشه یک جاده دوطرفه است. نه ایران و نه ترکیه، هیچ‌کدام قابل حذف نیستند. لازم است این نگاه ایجاد شود که ترکیه قوی و ایران قوی می‌توانند مکمل و کمک‌کار یکدیگر باشند. ترکیه فعلا با این نگاه فاصله دارد. البته خویشتنداری ایران نسبت به اظهارات و اقدامات خارج از عرف ترک‌ها، نشان می‌دهد که تهران آمادگی بیشتری برای همکاری با ترک‌ها نسبت به آنکارا دارد.